

تأثیر آموزش کار آفرینی بر خلاقیت شغلی و کیفیت

زندگی دانش آموختگان ساکن شهرستان رشت

دکتر سید رضا حجازی
عضو هیأت علمی دانشکده کار آفرینی
دانشگاه تهران

سید محمد رضا حسینی مقدم
دانشجوی کارشناسی ارشد کار آفرینی
دانشکده کار آفرینی دانشگاه تهران

کار آفرینی بعنوان یک پدیده نوین در اقتصاد، در یک گستره وسیع و در تعاملی چند سویه با خلاقیت شغلی، نقشی تعیین کننده در بهبود کیفیت زندگی افراد ایفاء می کند. هدف از انجام این پژوهش ارزیابی تأثیر آموزش کار آفرینی بر کیفیت زندگی با در نظر گرفتن خلاقیت شغلی بعنوان متغیر میانجی در رابطه بین این دو متغیر است. به این منظور، سه فرضیه تدوین گردید. برای گردآوری اطلاعات لازم جهت آزمون فرضیه ها، از پرسشنامه ای حاوی ۲۳ سؤال در ۹۳ بعد استفاده شد و بین ۲۵۸ نفر از دانش آموختگان ساکن شهرستان رشت که دوره ی ۷۲ ساعته آموزش کار آفرینی را سپری نموده اند، بعنوان جامعه آماری تحقیق توزیع گردید. جهت تحلیل داده ها و آزمون فرضیات از روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر بهره گرفته شد. نتایج آزمون فرضیات تحقیق، ضمن تأیید تأثیر آموزش کار آفرینی بر کیفیت زندگی نشان داد که بطور کلی بین آموزش کار آفرینی بر کیفیت زندگی بصورت مستقیم و همینطور بواسطه خلاقیت شغلی و بطور غیر مستقیم نیز رابطه معناداری وجود دارد و متغیر خلاقیت شغلی بر این رابطه تأثیر می گذارد. در انتها نیز متناسب با یافته های تحقیق، پیشنهاداتی جهت توسعه آموزش کار آفرینی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: آموزش کار آفرینی، کیفیت زندگی، خلاقیت شغلی.

مقدمه

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مؤلفه هایی همچون زمان و مکان و ارزش های فردی و اجتماعی قرار دارد و وضعیت آن به میزان توسعه یافتگی جوامع وابسته است (Rezvani and Mansourian, ۲۰۱۳). این مفهوم موضوعی مهم در رشته های مختلف از جمله روانشناسی، اقتصاد، پزشکی و جامعه شناسی محسوب می شود (، ۲۰۱۱ Malkoc) و بر ابعاد گوناگون فردی اعم از جسمی، روحی و روانی موثر است (نجفی و برهانی، ۱۳۸۹). ویژگی مفهوم کیفیت زندگی آن است که می تواند شامل تمام کیفیات (مفاهیم) جامعه شناختی شود. یعنی گستره بزرگی از مفاهیم جامعه شناختی می توانند در چتر کیفیت زندگی قرار بگیرند. همچنین این مفهوم، معمولاً برای بررسی عملکرد و نتایج سیاست ها و برنامه ها مورد استفاده قرار می گیرد. به همین خاطر غالباً در هر زمینه بنا بر انتظارات سیاست گذاران و مجریان برنامه های اجتماعی تعریف می شود (مهرانفر و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱). امروزه خلاقیت در حکم رمز بقا و کلید موفقیت افراد و سازمان ها شناخته شده است. تحولات پرشتاب جهانی در علم و تکنولوژی، صنعت، مدیریت و به طور کلی ارزش ها و معیارها، بسیاری از سازمان ها و شرکت های موفق جهان را بر آن داشته که اهداف، گرایش و علایق خود را در جهت بکارگیری خلاقیت هدایت کنند. صاحب نظران، خلاقیت را محور حرکت جهانی در قرن ۲۱ می دانند. خلاقیت پدیده ای است که عمیقاً در رفتار انسان ها با جهان اطراف خود شکل گرفته است. جهانی که پیش روی ما در حال شکل گرفتن است ایجاب می کند که رویکردهای ما بیش از گذشته با خلاقیت آمیخته شود (فلاح شمس و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱). از سویی دیگر، آموزش کار آفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کمیّت و کیفیت عرضه کار آفرین در یک جامعه اثر می گذارد. به همین دلیل در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته که تا حدودی در آن ها موانع و مشکلات برطرف شده است، دولت ها به شکوفای کردن توان بالقوه مردم

پرداخته اند. با اجرای این سیاست همواره می توان به اهداف گوناگونی مانند شناخت فرصت ها و چگونگی بهره برداری از آن ها، آشنایی با فناوری و دانش فنی جدید و چگونگی به کارگیری آن ها، روش های جدید علمی مدیریتی و بازرگانی جامعه عمل پوشید. فعالیت های آموزشی در جهت کارآفرینی را می توان در سه مقطع زمانی و در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ مطالعه کرد. اولین تلاش آموزشی از سوی مک کله لند و با هدف انگیزشی توفیق طلبی در بین بازرگانان هندی انجام شد (خانی جزنی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳). کوراتکو (۲۰۰۵) در مقاله ای تحت عنوان ظهور آموزش کارآفرینی بیان کرده است که انقلاب کارآفرینی سراسر کره زمین را در بر گرفته و به طور غیر قابل انکاری دنیای کسب و کار را تحت تأثیر قرار داده است. گواه این موضوع ظهور قدرتمند فعالیت کارآفرینی در ایالات متحده آمریکا در طول ده سال اخیر است. این امر گویای این واقعیت است که کارآفرینی فرآیند پویای چشم انداز، تغییر و خلق است. کارآفرینی نیازمند بکارگیری انرژی و شور جهت خلق و اجرای ایده ها و راهکارهای خلاق است. (Kuratko, ۲۰۰۵) بدون تردید کشورهای عصر حاضر با تغییر و تحولات و تهدیدهای گسترده ملی، منطقه ای و بین المللی روبرو هستند و تضمین و بقاء کشورها در بلند مدت نیازمند «کارآفرینانی» است تا بتوانند خون تازه ای را در کالبد اقتصاد کشور وارد کنند و گامی مؤثر در جهت توسعه بردارند. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که آیا برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش کارآفرینی توسط سازمان کار و امور اجتماعی می تواند بر خلاقیت شغلی و بهبود کیفیت زندگی دانش آموختگان اثرگذار باشد یا خیر؟

ادبیات و پیشینه تحقیق

آموزش کار آفرینی

واژه کارآفرین از ادبیات اقتصادی کشور فرانسه در قرن های ۱۷ و ۱۸ میلادی اقتباس شده است. این واژه به کسی اشاره دارد که با استفاده از فرصت ها و قبول ریسک در پی افزایش سود مسئولیت یک فعالیت یا پروژه ی مهم را بر عهده می گیرد (گلرد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳). کارآفرینی فرآیندی از ارائه اندیشه های نو، بهره گیری از امکانات و فرصت های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می دهد تا بهره برداری از منابع و فعال شدن آن ها در جهت بهره وری و تأمین منافع ملی میسر گردد و مؤسسات بهره ور و خلاق ایجاد شوند که موجب رشد و توسعه همه جانبه

باشند (قاسمی و اسدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). از این رو، ضرورت آموزش کارآفرینی به صورت یک امر بدیهی درآمده است. پیشرفت و توسعه جوامع، سازمان ها و موسسات در گرو ارتقای سطح دانش، مهارت، رفتار و بینش منابع انسانی است (غلام پور و کلیچ، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). آموزش کارآفرینی، فرآیند آشناسازی افراد با توانمندی خود برای شناسایی فرصت های تجاری، بینش، عزت نفس، دانش و مهارت هایی برای اقدام بر روی این تواناییهاست (Jones and English, ۲۰۰۴). بر اساس مطالعات انجام شده در ایران دو دسته آموزش کارآفرینی ارائه می شود. دسته اول آموزش های غیر رسمی که عبارت است از دوره های کوتاه مدت آموزش کارآفرینی که منتج به گواهینامه می شود. شامل دوره های عمومی آموزش مهارت های کسب و کار کارآفرینی (ارائه شده توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و سازمان آموزش فنی و حرفه ای)، دوره های کوتاه مدت و تخصصی آموزش کارآفرینی، آموزش توجیهی کارکنان دولت و تربیت مربی کارآفرینی می باشد. همچنین دسته دوم که آموزش های رسمی کارآفرینی نامیده می شود، عبارت است از دوره های آموزش کارآفرینی که اخذ مدرک رسمی از مراجع رسمی (مثل وزارت آموزش و پرورش و یا وزارت علوم)، منوط به گذراندن آن دوره ها می باشد مثل ارایه تک درس کارآفرینی در مقطع متوسطه، یا مقطع کاردانی و کارشناسی برخی رشته ها و یا تحصیل در رشته کارآفرینی در مراکز کارآفرینی و گروه ها و دانشکده های کارآفرینی (الوانی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۳-۱۲). در این تحقیق، دوره کوتاه مدت (۷۲ ساعته) آموزش کارآفرینی مد نظر می باشد که توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی برگزار می گردد.

خلاقیت شغلی

خلاقیت همانند هوش و حافظه، در بشر استعدادی عمومی است و هر کس کم و بیش خلاق است. این استعداد طبیعی، برحسب محیط و شرایط دیگر، کم یا زیاد بروز می کند. محیط های مساعدی برای خلاقیت وجود دارد که باعث شکوفایی، گسترش و رشد آن می شود. محیط های دیگری نیز وجود دارند که بزرگترین استعداد بالقوه خلاقیت، نمی تواند در آنجا بروز کند (بیسادی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰). گالاگر و گالاگر (۱۹۹۴)، خلاقیت را فرآیندی ذهنی می دانند، بطوریکه یک فرد عقاید و فرآورده های تازه ای خلق می کند و یا اینکه عقاید و فرآورده های موجود را در سبکی که برای خودش یا دیگری بدیع باشد، ترکیب می نماید. با وجود تمام تعاریف گوناگون از خلاقیت به طور کلی دانشمندان در این نکته اتفاق نظر دارند که خلاقیت یعنی توانایی پیدا کردن و در کنار هم گذاشتن عناصر یک مشکل یا موقعیت، سازمان دادن آن به شیوه ای اصیل و در نتیجه کمک کردن به حل مشکل (گنجی، ۱۳۹۰). افراد خلاق قادر هستند روابط موجود بین پدیده ها را کشف کنند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۰). منظمی تبار (۱۳۸۷) برای سنجش مفهوم خلاقیت شغلی، از شاخص های میزان ریسک پذیری برای اجرا ایده ها و افکار نو در زمینه انجام وظایف شغلی، میزان توانایی نوآوری و ایجاد تغییر در محیط کار و میزان استفاده از قوه تخیل در انجام وظایف شغلی استفاده نمود (منظمی تبار، ۱۳۸۷).

کیفیت زندگی

مطالعات مربوط به کیفیت زندگی نشان دهنده تعدد تعاریف این مفهوم است

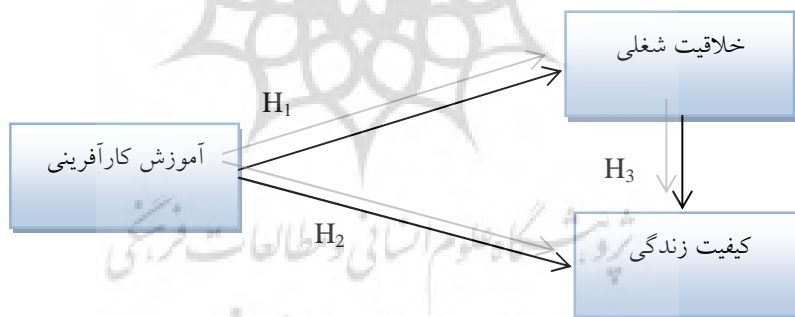
1. Kuratko

که چه بسا برآمده از سه عامل مختلف باشد: یک، چندبعدی بودن آن؛ دیگری کاربرد آن در حوزه های حرفه ای متفاوت همچون پزشکی، روانشناسی، جغرافیای انسانی، مطالعات توسعه، اقتصاد و جامعه شناسی و سرانجام، سطح تحلیل که ممکن است به عاملان، فرایندها، موقعیت ها و یا ساختارها مربوط باشد (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۹). دیوید فیلیپس در تعریفی جامع، کیفیت زندگی را در ابعادی فردی و جمعی مورد بررسی قرار می دهد که سطح فردی آن را مولفه های عینی و ذهنی در بر می گیرد (Phillips, 2006, p242). آنچه در اصطلاح شاخص های عینی کیفیت زندگی نامیده می شود، عموماً بر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز است (محمدی استاد کلایه و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸)، اما شاخص های ذهنی کیفیت زندگی بر اطلاعات بدست آمده از گزارش های شخصی افراد از تجارب زندگی خود تمرکز دارد و در واقع مکمل شاخص های اجتماعی و اقتصادی به شمار می روند (پهلوان زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). کیفیت زندگی در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه ها و جوامعی که در آن زندگی می کنند شامل انسجام مدنی، همکوشی و یکپارچگی، روابط شبکه ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش هایی اعم از اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تاکید دارد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹). مطالعه جوادی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که آموزش مهارت های زندگی باعث بهبود معناداری در ابعاد عملکرد جسمی، درد بدنی، سلامت عمومی، نشاط و سرزندگی، عملکرد اجتماعی، سلامت روانی، سلامت جسمی و در کل افزایش کیفیت زندگی می گردد (جوادی و همکاران، ۱۳۹۲).

مدل مفهومی تحقیق و بیان فرضیه ها

با توجه به مطالب مطرح شده، تحقیق حاضر به بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی و کیفیت زندگی دانش آموختگان می پردازد. مدل مفهومی این تحقیق در شکل ۱ ارائه گردیده است. در این مدل، آموزش کارآفرینی متغیر مستقل و خلاقیت شغلی و کیفیت زندگی متغیرهای وابسته خواهند بود.

شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق



با توجه به آنچه که در بالا بحث گردید و همینطور مدل مفهومی ارائه شده، فرضیه های تحقیق به شرح زیر می باشند:

فرضیه ۱- آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی اثری مثبت دارد.

فرضیه ۲- آموزش کارآفرینی بر کیفیت زندگی اثری مثبت دارد.

فرضیه ۳- خلاقیت شغلی بر کیفیت زندگی اثری مثبت دارد.

روش شناسی تحقیق

جهت گیری اصلی این پژوهش، کاربردی است. در این پژوهش، از استراتژی علی استفاده شده است. به بیان ساده تر، پژوهش حاضر در زمره تحقیقات همبستگی با استفاده از الگوی علی قرار می گیرد. ضرورت به کارگیری این روش از دیدگاه محققان به محدودیت روش های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون در بررسی اثرات تعاملی متغیرها و تعیین مسیرهای علی بین آن ها بر می گردد. تأکید پژوهشگران این حوزه غالباً بر استفاده از روش های علی (تحلیل مسیر و تحلیل معادلات ساختاری) است. مبانی نظری و پیشینه تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای، پایگاه های اطلاع رسانی و مراجعه به

متخصصان و خبرگان تدوین شده است. جامعه آماری تحقیق شامل آن دسته از دانش آموختگان ساکن در شهرستان رشت می باشند که دوره ۷۲ ساعته ی آموزش کارآفرینی را که توسط موسسه ی کار و تامین اجتماعی برگزار می گردد، با موفقیت سپری نموده اند و موفق به اخذ مدرک کارآفرینی از این موسسه گردیده اند. از آنجا که تعداد اعضای جامعه آماری محدود می باشد، لذا کل جامعه آماری برای پژوهش در نظر گرفته شد. این جامعه ۲۵۸ نفر تعیین^۱ و پرسشنامه پژوهش (ابزار گردآوری داده ها) میان آنان توزیع و دریافت شد. در این پرسشنامه که مشتمل بر ۲۳ سؤال در ۳ بعد است، مقیاس اندازه گیری مؤلفه های پرسشنامه مذکور، مقیاس لیکرت^۲ می باشد (از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم). اعتبار این پرسشنامه را کارشناسان و اساتید دانشگاه بررسی کردند و در نهایت اعتبار پرسشنامه تأیید شد. همچنین جهت محاسبه پایایی پرسشنامه طراحی شده از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به منظور محاسبه پایایی پرسشنامه، قبل از توزیع نهایی آن ۳۵ عدد پرسشنامه میان جامعه آماری توزیع شد که در نهایت به کمک نرم افزار SPSS مقدار آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۵ محاسبه گردید. نتایج ضریب پایایی محاسبه شده برای هر یک از ابعاد تحقیق نشان می دهد که پرسشنامه فوق از اعتبار کافی برخوردار است.

جدول ۱: پایایی ابزار تحقیق

متغیرها	خلاقیت شغلی	آموزش کارآفرینی	کیفیت زندگی	کل پرسشنامه
تعداد سؤال	۸	۸	۸	۲۴
آلفای کرونباخ	۰/۸۷	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۵

تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

در این پژوهش به منظور تحلیل داده ها از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری^۳ استفاده می شود. مدل یابی معادلات ساختاری به عنوان فن تجزیه و تحلیل متغیر پنهان یا مدلسازی علی، مشابه فن تجزیه و تحلیل مسیر است که در آن تخمین های پارامتری روابط مستقیم و غیر مستقیم را میان متغیرهای مشاهده شده نشان می دهد. SEM همانند فنون رگرسیون است که در آن کمی سازی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته بیان می شود. فنون تحلیل معادلات ساختاری که در جهت تکمیل روش تحلیل مسیر در تعیین مسیر علیت بین متغیرها و شناسایی و کنترل خطاهای اندازه گیری توسعه یافت، در مرحله نخست با انجام تحلیل عاملی تأییدی روابط بین مجموعه ای از متغیرهای مشاهده شده را با تعداد محدودتری متغیر نهفته اندازه گیری می کند و با تأیید روایی الگوهای اندازه گیری متغیرهای نهفته، روابط علی مفروض بین این متغیرها را در قالب الگوی تابع ساختاری برآورد می نماید.

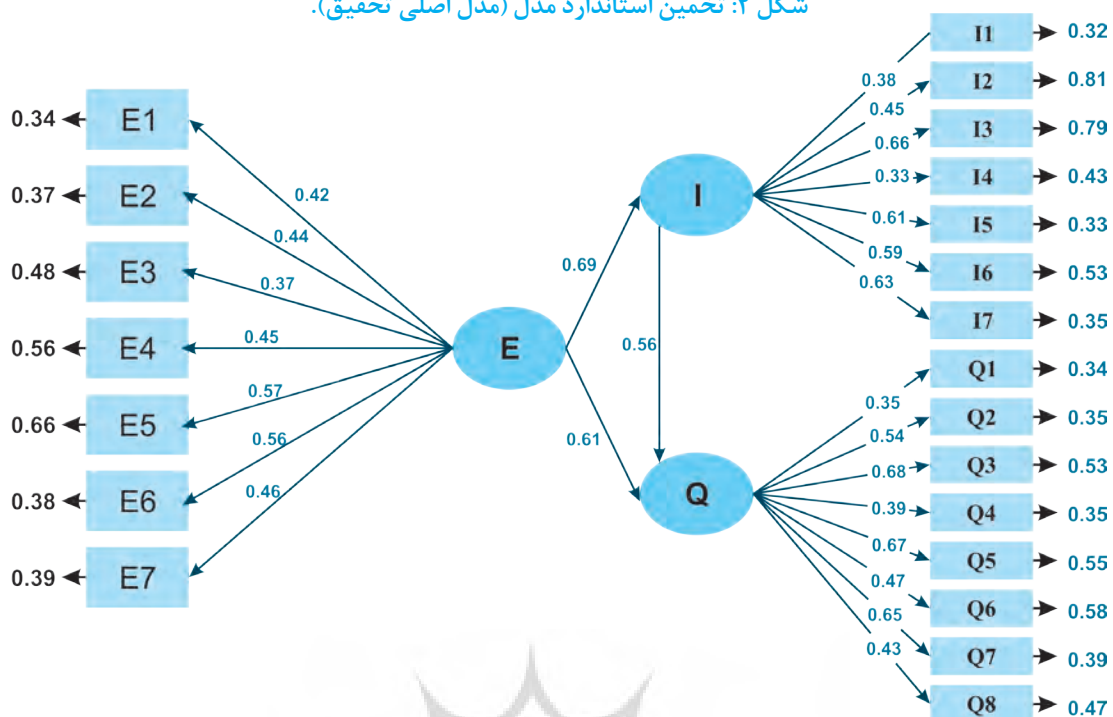
قبل از انجام تجزیه و تحلیل های نهایی و مدل یابی معادلات ساختاری، ابتدا شاخص های برازندگی مدل توسط نرم افزار لیزرل محاسبه می شود. همانطور که گفته شد، برای برآورد مدل اندازه گیری بهتر است بر روی تحلیل عاملی تأییدی که بخشی از الگوهای اندازه گیری است، تمرکز نمائیم. این الگو در مورد نحوه سنجش متغیرهای پنهان توسط متغیرهای مشاهده شده بحث می کند. در واقع ساختار عاملی، فرضیه ای است که برای بیان همبستگی های مشاهده شده به کار می رود. تحلیل عاملی تأییدی از نظر جبری بسیار پیچیده و برای هر پرسش محاسباتی همیشه از نرم افزار لیزرل و یا برنامه های معادل آن استفاده می شود. خلاصه این محاسبات در شکل ۲ ارائه شده است. بررسی نتایج تحلیل عاملی تأییدی معادلات اندازه گیری شده مربوط به سازه های تحقیق و شاخص های به دست آمده (RMSEA=۰/۰۳۱ و P-value/۰۰۰=۰ و CFI/۹۶=۰ و NFI/۹۸=۰ و GFI/۹۵=۰) نشان دهنده برازش مطلوب مدل اندازه گیری می باشد. عبارت دیگر کلیه پرسش ها، بخوبی سازه های مربوط به خود را تبیین می کنند.

۱. ماخذ: اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گیلان

2.Likert

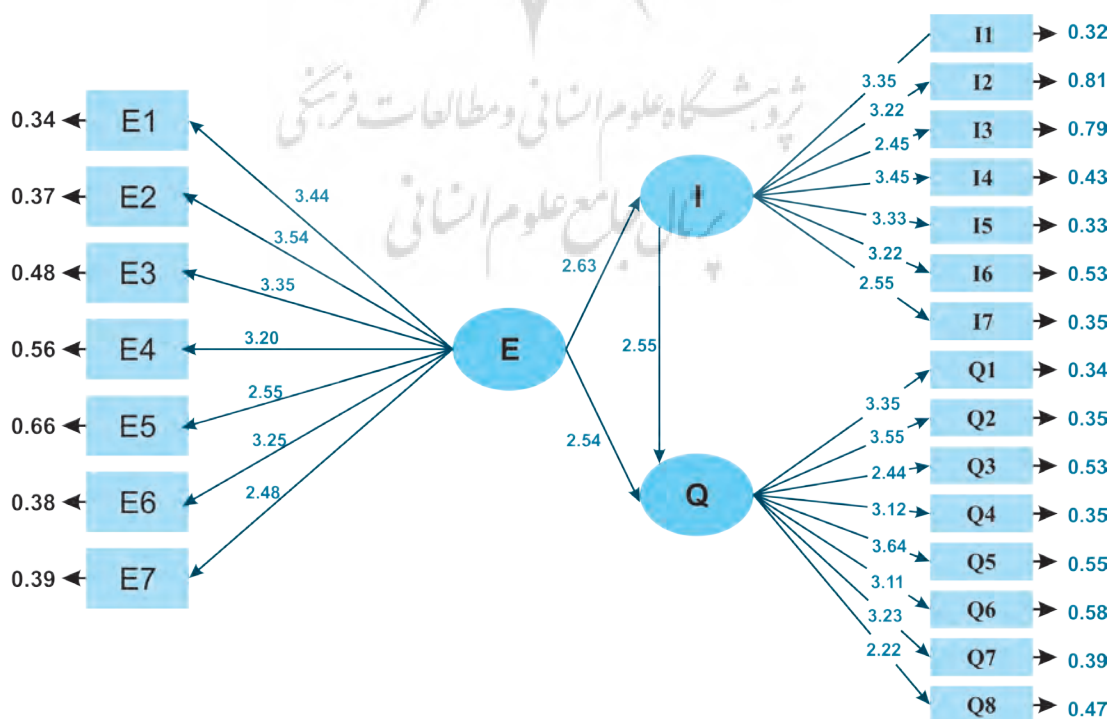
3.Structural Equation Model (SEM)

شکل ۲: تخمین استاندارد مدل (مدل اصلی تحقیق).



در این پژوهش با توجه به کاربرد معادلات ساختاری ارتباط بین متغیرهای مکنون برآورد می شود. در حقیقت با این کار به طور همزمان کلیه ضرایب رگرسیون چندگانه محاسبه می شود، سپس با استفاده از تست T، معناداری ضرایب اثرگذاری بدست آمده و معادلات ساختاری بین متغیرها به دست خواهد آمد. چنانچه آماره T بین دو متغیر بزرگتر از ۲ باشد فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه بین دو متغیر مکنون رد و فرضیه جایگزین مبنی بر معنی داری رابطه در متغیر مکنون پذیرفته می شود. با توجه به خروجی لیزرل میزان قدر مطلق t محاسبه شده در کلیه متغیرها بزرگتر از ۲ می باشد بنابراین کلیه تخمین های ارائه شده از لحاظ آماری معنادار می باشند. به عبارت دیگر، تمامی بارهای عاملی مرتبط با سازه های سه گانه تحقیق، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند.

شکل ۳: ضرایب معناداری مدل.



در فرضیه اول ادعا شده بود آموزش کارآفرینی، اثری مثبت بر خلاقیت شغلی دانش آموختگان دارد. نتایج نشان می دهد که ضریب اثرگذاری مستقیم آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی برابر با ۰/۶۹ بوده و چون مقدار ضریب معنی داری این رابطه برابر با ۲/۶۳ و بزرگتر از ۲ می باشد بنابراین می توان نتیجه گرفت آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی بطور مستقیم اثرگذار بوده و می تواند منجر به افزایش آن در افراد شود. بنابراین، فرضیه اول این مطالعه تأیید می شود. فرضیه دوم نیز تأثیر مثبت آموزش کارآفرینی بر کیفیت زندگی را بیان می نمود. ضریب β محاسبه شده برابر ۰/۶۱ و آماره محاسبه شده مربوط به این فرضیه برابر ۲/۵۴ و بیشتر از ۲ می باشد. بنابراین آموزش کارآفرینی اثری مثبت و مستقیم بر کیفیت زندگی دارد. فرضیه سوم نیز تأثیر مثبت خلاقیت شغلی بر کیفیت زندگی را مورد آزمون قرار می داد. ضریب $\beta = ۰/۵۶$ محاسبه شده نشان از تأثیر خلاقیت شغلی بر کیفیت زندگی داشته و مقدار آماره $T = ۲/۵۵$ نیز معناداری رابطه و فرضیه ارائه شده را تأیید نمود.

از سوی دیگر تأثیر غیر مستقیم آموزش کارآفرینی بر کیفیت زندگی با در نظر گرفتن نقش میانجی و واسطه ای خلاقیت شغلی در این رابطه برابر با $۰/۳۹ = ۰/۶۹ \times ۰/۵۶$ می باشد که نشان می دهد آموزش کارآفرینی بواسطه خلاقیت شغلی نیز می تواند بر کیفیت زندگی اثرگذار باشد. گرچه این مقدار از اثر مستقیم آن کمتر است.

نتیجه گیری

این تحقیق به ارزیابی تأثیر آموزش های کارآفرینی بر خلاقیت شغلی و کیفیت زندگی پرداخت. موضوع مورد بحث در این مطالعه، نو بوده و در طی سالیان گذشته کمتر به آن پرداخته شده است. دید نوگرای این پژوهش، امکان مقایسه گسترده نتایج آن را با پژوهش های مشابه کمی با دشواری همراه ساخته است. اغلب این پژوهش ها، به اهمیت بکارگیری آموزش های کارآفرینانه در جامعه تأکید نموده اند که به برخی از آن ها در ادامه اشاره خواهد شد. کامبیز طالبی و محمدرضا زارع (۱۳۸۷)، به ارزیابی آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) دانش بنیان پرداختند. این محققان تأکید نمودند که دانشگاه می تواند و انتظار می رود که با تکیه بر رسالت اصلی خود یعنی آموزش و پژوهش، مسیر کاربردی نمودن و بهره برداری از قابلیت های ایجاد شده در دانش آموختگان را از طریق ایجاد شرکت های کوچک و متوسط دانش بنیان هموار و رشد مداوم دانشگاه، صنعت، دولت و سایر بخش های جامعه را در همه زمینه ها عینیت بخشد. از نگاه این پژوهشگران، موفقیت دانشگاه کارآفرین در کارآفرینی نه تنها مستلزم کمک به ایجاد شرکت های کارآفرین است بلکه آموزش های کارآفرینی صرفاً در زمینه ی ایجاد شرکت، کاری اساسی نیست، بلکه دانشگاه باید هنگام طراحی دوره های آموزشی علاوه بر توجه به نیازهای گروه های مختلف، ضمن این که خلق شرکت های جدید را ترویج و تسهیل

می کند، به مقوله تحکیم شرکت های ایجاد شده نیز بپردازد و کمک هایی برای تضمین رشد و تحکیم وضعیت مالی این شرکت ها در نظر داشته باشد. این وظیفه ای تکمیلی برای دانشگاه محسوب می شود (طالبی و زارع، ۱۳۸۷). در پژوهشی مشابه، سید محمد مقیمی و محمود احمدپور (۱۳۸۷)، به مطالعه آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران، در قالب ارزیابی نیازها و راهکارها پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که به علت شکاف زیاد بین وضع موجود و مطلوب بسیاری از مؤلفه های آموزشی، برای تقویت مهارت و روحیه کارآفرینی، برنامه های آموزشی وسیع و جدی مورد نیاز است. با توجه به نقش سرمایه انسانی کارآفرینی در توسعه جوامع مختلف و نیازهای کارآفرینان به کسب دانش، نگرش و مهارت های کارآفرینانه، راه کارهای لازم برای بهبود وضعیت کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک، بر نقش سازمان صنایع کوچک در مرحله قبل از آموزش، حین آموزش و پس از آموزش کارآفرینان تأکید شده است (مقیمی و احمدپور، ۱۳۸۷). محمد سعیدی و محمد مهدی مهندسی در همین سال به ارزیابی تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه در وزارت کار و امور اجتماعی پرداختند. جامعه آماری این تحقیق کلیه ی شرکت کنندگان در دوره های مربوطه در استان قم بود که با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد گروه نمونه برابر ۲۴۹ نفر تعیین شد. با استفاده از الگوی ارائه شده اثر دوره های آموزش کارآفرینی وزارت کار بر روی شرکت کنندگان، مورد مطالعه قرار گرفت و با مقایسه داده های حاصل از مطالعه رفتار گروه نمونه و گروه کنترل نشان داده شد که این دوره تأثیرات مثبتی بر بروز رفتارهای کارآفرینانه داشته است. به عبارت بهتر شرکت در دوره های مزبور سبب شده تا فراگیران نسبت به تغییر وضعیت شغل و کسب و کار خود تحریک شده و تلاش کنند خود را به سطوح بالاتر برسانند. بنابراین پیشنهاد می شود برای گسترش فعالیت های کارآفرینانه در سطح اجتماع، که لازمه اساسی دست یابی و تحقق توسعه پایدار به حساب می آید؛ برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی با برنامه ریزی منظمی در کشور گسترش یابد (سعیدی و مهندسی، ۱۳۸۷). در ادامه به بحث پیرامون بخش های مختلف پژوهش و ارائه پیشنهادات پرداخته خواهد شد. برخی از صاحب نظران اعتقاد دارند علم کارآفرینی مبنی بر یک فعالیت و تفکر نو اثری است و قابل یاددهی و یادگیری نخواهد بود. این نظریه که در دهه شصت و حتی هفتاد میلادی به شدت به آن توجه شد، تأثیر آموزش مهارت های کارآفرینی را برای توسعه این دانش کاملاً منتفی می دانست. ولی با تغییرات در فضای اقتصادی دنیا و شکل گیری نسل جدیدی از کارآفرینان نواندیش که با بهره گیری از دانش روز زمینه شکوفایی و پذیرش در بازارهای گوناگون را ایجاد کردند، باعث شد که رشد انفجار گونه ی فعالیت های کارآفرینی، رشد کمی کارآفرینان در صحنه ی اقتصاد و در پی آن نظریه ی توارثی بودن کارآفرینی جای خود را به کارآفرینی آموزشی بدهد. روند رشد کارآفرینی و تأثیر آموزش

در کیفیت زندگی خواهد داشت. اما یکی از مسائل مهم در طراحی دوره های آموزشی، ارائه ی تعریف روشن از اهداف دوره و تعیین گروه های هدف است. هر دوره آموزش کارآفرینی در مؤسسه کار و تأمین اجتماعی باید برخی از اهداف زیر را تعقیب کند:

- آشناسازی شرکت کنندگان در دوره با مفاهیم کارآفرینی و کسب و کار؛

- ایجاد فرهنگ و روحیه ی کارآفرینی؛

- معرفی الگوهای موفق کارآفرینی؛

- انتقال دانش و مهارت های خاص کارآفرینی؛

- پژوهش در مقوله های کارآفرینی و آشنایی با تحقیقات صورت گرفته؛

- روش های راه اندازی شرکت های جدید مبتنی بر دانش و با تأکید بر خلاقیت شغلی؛

- کارگاه های آموزشی در زمینه ی خلاقیت، مذاکره، اخلاق کسب و کار و...؛

- آموزش به افراد جامعه و مسئولین آن در مورد الزامات کارآفرینی؛

- تشویق دانشجویان به شرکت در دوره های مرتبط با کارآفرینی به صورت غیرمستقیم با ارائه الگوهای موفق کسب و کار؛

های کارآفرینی در اواخر دهه هشتاد میلادی و به دنبال آن توسعه آموزش های تخصصی کارآفرینی در دهه ی نود نشان می دهد که آموزش های کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان شد بلکه موجب تحول در نسل های کارآفرینی و ارتقاء سطح مهارت های کارآفرینی به ویژه در طراحی راهبردهای کسب و کار و مدیریت بنگاه داری، خلاقیت های شغلی و بهبود کیفیت زندگی با توجه به تغییرات سریع در حوزه اختیاری گردید. آموزش کارآفرینی را می توان سرمایه گذاری یک نسل برای نسل دیگر دانست، هدف اصلی این سرمایه گذاری ها توسعه مهارت های انسانی است. توسعه مهارت های کارآفرینی با توجه به قابلیت های نهفته افراد خود روشی جامع برای بروز خلاقیت ها و ایده های نو در آنان است. شناخت موقعیت های نو، آشنایی با توانایی ها و امکان مطرح کردن و بروز آن ها در دوره های کارآفرینی همگی نشان دهنده اهمیت این نوع آموزش در شکل گیری افکار خلاق برای آغاز و یا انجام مشاغل است. از سوی دیگر، موفقیت های کسب شده به واسطه بهره گیری از مهارت های کارآفرینی که بی شک شرکت در دوره های کوتاه مدت آموزش کارآفرینی نقشی تعیین کننده و اثرگذار در آن ها ایفاء می نماید؛ پیامدهای مفید چشم گیری در بهبود عملکرد کاری، ارتقاء جایگاه اجتماعی، احساس مفید بودن، افزایش سطح درآمد، توسعه و گسترش ابعاد کسب و کار و سایر شاخص های رایج

منابع

۱. الوانی، سید مهدی و مقیمی، سید محمد و آذر، عادل و رحمتی، محمد حسین (۱۳۹۰)، خط مشی گذاری در نظام آموزش کارآفرینی در ایران، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۰، صص ۳۰-۴.
۲. بیسادی، مونا و مظفر، فرهنگ و حسینی، سید باقر (۱۳۹۲)، صفات فضایی مؤثر بر افزایش خلاقیت محققین در مراکز تحقیقات معماری و شهرسازی، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال هفتم، جلد ۷، شماره ۳، صص ۲۴۹-۲۳۹.
۳. پهلوان زاده، حمیده و رضوانی، محمد رضا و محمدی استاد کلایه، امین (۱۳۹۱)، ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیش کمر- استان گلستان)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، صص ۹۷-۱۱۲.
۴. جواد، مهروز و سپهوند، محمد جعفر و محمودی، حسین و سوری، ابودر (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر کیفیت زندگی پرستاران بیمارستانهای خرم آباد، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره بیست و یکم، شماره ۱، صص ۳۲-۴۰.
۵. خانی جزنی، جمال (۱۳۸۸)، تأثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه های کشور، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۶۵-۲۴۲.
۶. ساعتچی، محمود و کامکاری، کامبیز و عسگریان، مهناز (۱۳۹۰)، آزمون های روانشناختی، نشر ویرایش، چاپ دوم.
۷. سعیدی مهرآباد، محمد و مهتدی، محمدمهدی (۱۳۸۷)، تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص ۷۳-۵۷).
۸. طالبی، کامبیز و زارع، محمدرضا (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) دانش بنیان، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۱-۱۱۱.
۹. غلام پور، زهرا و کلیچ، محسن (۱۳۹۱)، ارزیابی اثربخشی دوره های آموزش کوتاه مدت مهارت های کارآفرینی بر دانشجویان و دانش آموزان استان مازندران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۳، صص ۱۵۱-۱۲۹.
۱۰. فرجی سبکیار، حسنعلی و صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمداله (۱۳۹۰)، سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی: مطالعه موردی دهستان آق بلاغ استان زنجان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۴۸-۲۷.
۱۱. فلاح شمس، میر فیض و بوداقي خواجه نوبر، حسین و دلنواز اصغری، بیتا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین هوش سازمانی و خلاقیت کارکنان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در سال ۱۳۸۸، فراسوی مدیریت، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۶۶-۱۴۹.
۱۲. قاسمی، جواد و اسدی، علی (۱۳۸۹)، تحلیل عاملی عوامل مؤثر در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات

- تکمیلی (مطالعه موردی: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران)، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۴، شماره ۱، صص ۲۲-۱۳.
۱۳. گلرد، پروانه (۱۳۸۸)، خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۱۴۹-۱۳۱.
۱۴. گنجی، حمزه (۱۳۹۰)، روانشناسی کار. نشر ساوالان. چاپ چهاردهم، تهران.
۱۵. محمدی استاد کلایه، امین و مطیعی لنگرودی، سید حسن و رضوانی، محمدرضا و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۹۱)، ارزیابی اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای جا به جا شده شرق استان گلستان)، جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره چهارم، صص ۵۰-۳۷.
۱۶. مختاری، مرضیه و نظری، جواد (۱۳۸۹)، جامعه شناسی کیفیت زندگی، تهران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.
۱۷. مقیمی، سید محمد و احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، صص ۲۴۵-۲۰۷.
۱۸. منظمی تبار، جواد (۱۳۸۷)، تاثیر آموزش های دانشگاه علوم انتظامی بر مهارت آموزشی افسران فارغ التحصیل، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره اول، صص ۵۳-۳۳.
۱۹. مهرانفر، مصطفی و فولادیان، احمد و اصغر پور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۱)، تاثیر کیفیت زندگی مالکان و ساکنان بافت های فرسوده به تمایل آنان به مشارکت در بهسازی و نوسازی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۸۲-۱۵۷.
۲۰. نجفی، مارال و برهانی، فریبا (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی کودکان سن مدرسه مراجعه کننده به مرکز بیماری های خاص شهر کرمان در سال ۱۳۸۹، مجله دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۲۶-۲۰.
21. Jones , C. English , J (2004) , A Contemporary approach to entrepreneurship education , education & training, 46, p 416.
22. Kuratko, Donald, (2005), The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and challenges, Baylor University, Entrepreneurship theory & Practice, September, pp. 577-597.
23. Malkoc, A. (2011), Quality of life and subjective well-being in undergraduate students. Proscenia Social and Behavioral Sciences, 15, pp.2843-2847.
24. Phillips , D (2006), Quality of Life concept, policy and practice, London, Rout ledge.
25. Rezvani, M. R., Mansourian, H. (2013), Developing small cities by promoting village to town and its effects on quality of life for the local residents. Social Indicators Research, Volume 110, Issue 1, pp 147-170